



مدرسه عالی شهید مطهری

"مختصری از زندگی نامه شهید گرانقدر برادر طلبه سید کمال خالقی (تاریخ شهادت ۶/۱۲/۶۲)" انسان باقی و جاوید است ، اعمال و آثار انسان باقی و مضبوط و جاوید است و انسان در جهان دیگر با اعمال و اخلاق و مکتوبات خود از این دنیا زندگی میکند .
(استاد شهید مرتضی مطهری)

مقدمه :

در یورش نور به ظلمت ، نفاق شب در صبحگاهان تلاش مذبحخانه ای دگر کرد و انسانی از سلاله پاک خاندان نور (محمد ص) را بشهادت رساند . شهیدی که تو ای برادر باید پس از این با یاد او زیست کنی و پیکر خونین و پر صلابت و عطراگین و نورانی او را - همواره بردوش ذهنی خویش بکشی تا به ظرفیت عظیم خویش برای اوج گرفتن بطور ملموس و عینی آگاهی یابی و بر یقین خود بیفزایی .

برادر و خواهر مسلمان چه پر افتخار است تاریخ ملتی که سرفصلهای آنرا شهیدانش رقم بزنند و چه حماسه آفرین است ملتی که سلاحش شهادت است و حاشا ایمان و جامعه اش جامعه توحیدی و مقصدش نجات انسان .

و ای کاش ما را توان آن بود تا چهره تمامی این قامت های عصیان و فرزندان ایشان را ترسیم کنیم تا به تمامی نسل های آینده نشان دهیم که افتخار از آن ملتی است که مرگ را به بازی میگیرد و در عوض بر حاده تنگ گام نمینهد و صدافسوس که چینی - نمیتوانیم ، تا تمامی این چهره های تابناک را نشان دهیم ولی باز باید به گفته عقلا حاشا عمل بیوشانیم .

آب دریا را اگر نتوان کشید پس بقدر تشنگی باید جشید

باشد که این مجموعه ناچیز باعث تحکیم پیوندمان با تمامی شهدای بخون غلطیده شود و رهروان صالحی برای آنان باشیم .

شهید سید کمال خالقی ستاره ای فروزان در میان شهدای انقلاب اسلامی ایران است که زمانی در مدار علم و تقوی و ترکیه در محیط مدرسه و گاهی در مدار جهاد و حبسه و سپاه دوران نمود تا در میان این گردشها ، دلش معلو از نور واقعی (الله) گشت



مدرسه عالی شهید مطهری

و با افول خود و خروج از مدار به نور حقیقی رسید که ... عندربهم برزقون .
(یکی از دوستان شهید)

مروری بر زندگی کوتاه ولی با ارزش طلبیه و پاسدار شهید سید کمال خالقی

برادر شهید سیدکمال خالقی بحق از تبار هابیلیان و پویندگان راه راستین الله بود که در زندگی سراسر حماسه اش هرگز از پای ننشست . حیات پر از محبت و خلوص او با مبارزه اش علیه باطل ، چهره دیگری بخود گرفت . تلاش مستمر او در وادی مبارزه در — جهت نابودی پایه های ظلم و نفاق و تزویر و ریا اسوهای نورانی از او ساخته بود که بی شک میتواندست در آینده بدرخشد و ظلمات جهان را بزدايد . شهید سیدکمال خالقی (دومین شهید خانواده) در سال ۱۳۴۰ در جنوب شهر تهران در یک خانواده متوسط و مذهبی متولد شد . از همان او ان کودکی بذرای ایمان و تلاش در دلش جوانی زد دوران کودکی را چون بچه های جنوب شهر در محیطی آرام و پر از محبت و معنویت گذراند . دوران ابتدائی را در دبستان هاتف و نظری را در دبیرستان البرز گذراند و در سال ۱۳۶۰ با دیپلم ریاضی از دبیرستان فارغ التحصیل شد . او که در پی گمشده اش بود تا بتواند او را هرچه زودتر و سریعتر بمعقد و هدف نهائی که همانا رسیدن به الله بود برساند . سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را برای رسیدن به هدف والای خود بهترین طریق دانست و لذا در ۷ تیرماه ۱۳۶۰ در اردوی آموزشی سپاه در دانشگاه شهید بهشتی شرکت جست .

شهید وارسته و پاکبخته ما سیدکمال خالقی از همان او ان علاقه وافری به تعلیم و تعلم خصوصاً " در مسائل عقیدتی و مذهبی داشت لذا پس از مدتی وارد دوره مربیگری عقیدتی سیاسی سپاه شد و آموزشهای لازم را فراگرفت و به نشر اندوخته های خود پرداخت . طلبیه شهید سیدکمال خالقی در مهر ۱۳۶۱ با قبول شدن در مدرسه عالی شهید مطهری در این مرکز علم و دانش مشغول تحصیل شد که این مرحله سرفصل نوینی در زندگی پرافتخار ایشان محسوب میشود . درس را با حدیث تمام ادامه داد و پیوسته در پی آن بود که روزنه ای پیدا شود تا خود را به دریای علم یعنی قم رساند و در آن بحر عظیم



مدرسه عالی شهید مطهری

شنا کند ولی بعلی موفق نشد.

بالاخره شهید سیدکمال خالقی در مهرماه ۶۲ برای مدتی مشغول تدریس در پادگان ۲۱ حمزه تهران شد و تا زمان رسیدن شهادت در این سنگر به تعلیم و تدریش اشتغال داشت و در ضمن درس‌های مدرسه را نیز فراموش نمی‌کرد و سرانجام یک هفته قبل از عملیات خیبر با وجود مخالفت شدید مسئولین پادگان، برای ششمین بار به جبهه شتافت تا دین خود را به اسلام و انقلاب اسلامی ادا کند و با این عمل خود را جزو فرزندان جاوید تاریخ سازد.

((راهش پر رهرو باد))

شهادت:

شهید شاهد سیدکمال خالقی در جبهه بعنوان آرپی جی زن با پذیرفتن مسئولیتهای دیگر و علیرغم مخالفت مسئولین سازماندهی شد. و در سپیده دم ششم اسفند ماه ۶۲ با جانفشانیها و از خود گذشتگیهای زیادی که در خود نشان داد در حال کمک رسانی به یکی از همزمانش و در اولین ضد حمله کافران یعنی در جزیره محتون با بدن طاهر درون و برونش بعد از نماز صبح با اصابت تیر مستقیم به سجدگاه مبارکش از فاصله نزدیک سرخونین بر بالین ملائک گذارد و جان خویش را بر طبق اخلاص نهاد و بیدار دوست شتافت و به آرزوی دیرینه اش که همانا فروختن نفس خویش به پروردگارش به ازای بهشت بود رسید که چه فروشنده بسیار سود برنده ای بود و خریدار واقعی را انتخاب کرده بود.

خداوندا عمری را در معصیت تو سپری کردم و اکنون از محضر فطرت

طلب رحمت و مغفرت میکنم. (گوشه ای از وصیتنامه)

خصوصیات:

برای آشنا شدن با خصوصیات و تعالی روح شهید سیدکمال خالقی باید چندین ماه بطور شبانه روز با او میبودی و در زندگی افکار و اعمال او تحقیق و جستجو میکردی که البته برای شناختن و پی بردن به فضائل و ارزشهای الهی ایشان این نیز کافی نبود بلکه: انما يعرف ذا الفضل من الناس ذوهه (صاحب فضل را فاضلان شناسند) خلاصه اگرچه نمیتوان خصوصیات مختلف یک شهید را در قالب الفاظ بیان کرد ولی ناچاریم با مطرح



مدرسه عالی شهید مطهری

کردنش طقه‌ای از این حقائق را به زنجیر ناقص حروف بکشیم .

(مالا یدرک کله لایترک کله)

که امیداست با مطرح کردن شمه‌ای از این خصوصیات جراحی را فرا راه حلال و آیندگان روشن نگه داشته باشیم .

تفکر :

قال الحسن ابن علی (ع) : علیکم بالفکر فانه حیاة قلب البصیر (روفه بحار)

یکی از برنامه‌های روزانه شهید سیدکمال فکر کردن بود و تفکر را جزء کارهای اساسی خود میدانست و بر آن اصرار داشت و همانطور که برای دروس و مطالعات و زندگی مادی و ... خویش برنامه داشت برای فکر کردن نیز همچنین یکی از علت‌های اساسی و مهم پیشرفت ایشان همین تفکر بود که :

کار فکرت لاجرم یکساعت است بهتر از هفتادساله طاعت است

خدایا صفا و صحت و بی‌ریایی و تواضع را در متن زندگی ما قرارده

(گوشه‌ای از وصیتنامه)

تواضع :

ولا تمش فی الارض مرحا " (سوره بنی اسرائیل - آیه ۳۷)

زندگی شهید سیدکمال ، در کمال تواضع و فروتنی سپری شد و هیچگاه دیده نشد در مباحثات و دروس با اینکه در هر علمی ید طولایی داشت باعث غرور و تکبرش شود و برخوردش کاملاً متواضعانه بود .

چه بسا اینکه انسان حالات مقربین بخود میگیرد و عذاب بعد از مرگ

در انتظار اوست . (از نوشته‌های شهید)

عشق به شهادت :

او چون دیگر یاران حق و سربازان گمنام اسلام که در پوست خویش برای جانفشانی نمیگنجد سراز پای نمیشناخت و آنگاه که در جهاد سلاح را در کفهای خونین میفشرد ، همواره خدا را در برابرش حاضر مییافت زیرا که جهاد با انگیزه‌های غیرخداش



مدرسه عالی شهید مطهری

را بهرگونه باطل و غیر اصیل میانگاشت و از طرفی اساساً " جنگ و دفاع را هدف نیمدانست و با چنین نگرشی هرچه بیشتر بر کسب صفات خدائی تلاش میکرد و در راه و ارستگی و عدم وابستگی به دنیا هرچه بیشتر میکوشید. و خلاصه از نظر قدرت رزمی و نیروی نظامی در کیفیت بالائی قرار داشت و همانگونه که به تقویت ایمان خود همت میگماشت در بالا بردن توان رزمی خود سعی زیاد میکرد و در شدت علاقه اش به جانبازی در راه حق همین بس که با دیدن جسدی در غسالخانه میگفت خدا نکند ما طوری بمیریم که محتاج به غسل و کفن باشیم و کفن ما لباس رزمان و غسل ما خون گرممان باید باشد و شهادتی را میپسندید که با گمنام بودن همراه باشد و میگفت دوست دارم تویی وسطم بخورد و چیزی از من باقی نماند و اینرا نیز فوزی عظیم میدانست و هر آینه خداوند دعای مظران را احاطت خواهد کرد.

امان از آن لحظاتی که از یاد خداوند و یاد گناهان و عصیان در برابر او و عذاب برزخ و یاد حرمان از مقصود، غافل میگویم.
(از نوشته های شهید)

اخلاص :

قال رسول الله (ص) : اخلصوا اعمالکم لله فان الله لا یقبل الا ما خلص له .

(نهج الفصاحه)

وی با قلبی سرشار از خلوص ، ایمان و با سلاح تقوی و صداقت به جنگ با کفر و نفاق و مظاهرش برخاست و اعمالش را فقط برای رضای خداوند تبارک و تعالی انجام میداد و از تظاهر و ریا و خوش آمدن این و آن بشدت تنفر داشت و سعی میکرد از مسائلی که باعث سرانگشت شدنش شود جلوگیری کند و مخفیانه انجام دهد .

اگرچه ارزش دعا در این محیط ها (جبهه ها) شناخته میشود ولی

باز بفکر دعای کمال و نماز جمعه تهران هستم .

(در نامه ای بخانواده)

قرائت قرآن :

قال النبی (ص) : ... و یرفع عن تالی القرآن بلوی الاخره (بحار ۲۹ - ۹۱)



تاریخ _____

شماره _____

پیوست _____

مدرسه عالی شهید مطهری

او مقید بود بعد از نماز صبح و قبل و بعد از نمازهای یومیه دیگر و قبل از خواب قرآن را با ترتیل خاصی تلاوت نماید و نور واقعی را از آن کسب نماید و خلاصه فرائد یک جز قرآن بنا بر تاسی به رهبر و مقتدایش حضرت امام خمینی در طول روز جزء برنامه های مرتب ایشان بود و حتی تا لحظه شهادت قرآنی نیز در حیب داشته اند و در بردن آن به عملیات اصراری خاص میورزیده اند.

ما به تعداد نیروهایی (که خیلی زیادند) نمی نازیم بلکه خدا با ماست .
(برنامه ای بخانواده)

صبر و بردباری :

(مومنی که صبر ندارد مثل حسی است که سر ندارد و مردار است و ارزش پائین) در صبر ایشان همین بس که با شهید شدن برادرشان به نزدیکترین رفقایشان اطلاع داده بودند و بسیاری از رفقایشان از اسم کوچک منزلشان که بنام برادر شهیدشان تغییر یافته بود پی به این شهادت میبردند و خلاصه هیچ گلایه و شکایت و درد دلی نداشتند و از این شهادت درس بزرگی نیز آموخته بودند که همان گرم نگه داشتن خون برادرشان بود

پرتلاش و پرکار :

در طریق کسب علم و فضیلت و کمالات معنوی شهید خالقی روز و شب برایش مطرح نبود و در کارهای خیر و لازم سراز پا نمی شناخت و همیشه در هر کار و هر علمی در صف مقدم وجود داشت و از لحظات و دقائق عمرش بنحوا حسن استفاده مینمود و حتی بسا تهیه ضبط کوچکی و گوش دادن نوار و اخبار در اتوبوس و ... و یا حفظ حدیث و شعر و قرآن در بین راه از رفت و آمدش نیز برای تعالی روحش استفاده مینمود و لحظه ای از تعلیم و تعلم غافل نبود.

سعی کنید برای آمادگی صدور انقلاب هرچه زودتر خودمان را از نظر

اخلاقی اصلاح و از نظر فکری قوی کنیم . (گوشه ای از وصیتنامه)

عمل به وظیفه :



مدرسه عالی شهید مطهری

در جامعه کنونی ما هستند افرادی که فقط بدنبال منافع شخصی یا گروهی و یا غیره خویش دست باعمال یا عمل میزنند و کمتر به مسئولیت اطلاق خویش که همانا خواسته اسلام و انقلاب و رهبر است میپردازند. این شهید عزیز از صفات با ارزش او - بدنبال وظیفه رفتن و عمل به خواسته مکتب و رهبر انقلاب بود و آنی از این مهم غفلت نمیورزید و زمانیکه احساس میکرد وجودش در سپاه ضروری است بدنبال آن میرفت و زمانی دیگر جبهه و زمانی دیگر حوزه و دیگر زمان جان خود را نثار اسلام کردن و ... تا آنجا پیش میرفت که بخواسته اش برسد و مهمترین مسئله برایش عمل به تکلیف بود و بس و اگر در حوزه بود بفکر جبهه نیز بود و اگر جبهه بود بفکر حوزه و - مسئولیت های سنگین دیگر و ...

حضور در جامعه :

ایشان با مشکلات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و غیره مسلمانان خصوصا " مسائل انقلاب را بخوبی پیگیری میکردند و سعی مینمودند در تمام زمینه ها آگاهی کسب کنند و هیچگاه از معضلات مختلف خود را کنار نمیکشیدند و این با وقت کم و درسهای و برنامه های زیاد ایشان بسیار مشکل بود و طاقت فرسا .

ملتها گروهی تشنه انقلابان و گروهی بسختی در جهل و فسادند که

در برابر هر دو وظیفه ما ترفیع درجات علم و ایمان است .

(گوشه ای از وصیتنامه)

ویژگیهای دیگر:

از ویژگیهای که در ایشان بنحو بارزی به چشم میخورد توکل و تکیه بر خدا و در نتیجه خونسردی و آرامش وی بود و عاشق امام و پیروان حقیقی ایشان بود امام خمینی را سنبل و الگوی خویش میدانست و تکیه زیادی روی آثار استاد شهید مطهری و شهید آیتا ... دستغیب داشت و خلاصه وی نمونه مجسمی از پاکی ، پشتکار ، امانت و تقوی بود. ضمن پرهیز از خودمحوری و ناسزاگوئی ، رفقایش را به پروا پیشگی و با فشاری در عقیده دعوت میکرد و بدانچه میگفت عمل میکرد.



مدرسه عالی شهید مطهری

تاریخ _____

شماره _____

پیوست _____

سعی میکرد گفتار و کردارش در یک جهت بوده و توصیه‌هایش به دیگر برادران پاکاخستگی او را نشان میداد و وی اکثر اوقات روزه میگرفت و در مواقعی که روزه نبود غذایش بسیار مختصر بود و خویش را در علوم جزوی محدود نمیکرد و برای حفرانی و تاریخ و ریاضی فیزیک و شیمی حتی بعد از دبیرستان برای آنها وقت میگذاشت .

کتابهای شهید دستغیب را که ساده‌اند اما پر بار و عجب فراموش نکنید .

(خطاب به برادران و خواهران محل خود)

ای رفته سوی گلش رضوان برادرم	ای خفته در کنار شهیدان برادرم
رفتی و مانده داغ تو بر قلب دوستان	خاموش گشته مجلس یاران برادرم
روح میان ماست ولی جسم پاک تو	اندر میان کوه و بیابان برادرم
سید کمال چشم همیشه بدر بود	کی میشود فراق تو پایان برادرم
باشد درود و رحمت حق بر روان تو	باشی تو شمع محفل دوران برادرم
<u>وصیتنامه نامه شهید سید کمال خالقی :</u>	

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم اسئلك ان تجعل وفاتي قتلا" في سبيلك تحت را به نبیك
مع اولیائك و اسئلك ان تقتل بی اعدائك و اعداء رسولك

حمد خدای را که ما را بقدرتش خلق و به نورش هدایت کرد و برای سعادت بشر اسلام را تشریح کرد تا حجت خود را تمام کرده باشد. و در این بین تمنیام فرستادگانش در مدد تبلیغ همین دین بوده‌اند. در این راه پر پیچ و خم رهبری این دین را خط سرخ ولایت بعهدہ داشته و دارد. قبل از ظهور اسلام پیامبران ، بعد از آن ائمه اطهار و سپس با غیبت امام مهدی (ع) که هر لحظه در انتظار ظهورش برای تشکیل حکومت جهانی هستیم فقهای جامع شرایط این رهبری را بدست گرفتند و اینان همان روحانیونی هستند که عمرشان را وقف این راه کرده تمام حنایات ابرحنایتکاران را چشیده‌اند تا این دین محفوظ بماند و همین مبارزات غرور انگیز روحانیت بوده که چون حضرت امام خمینی بوجود آمده است و از برکت وجود او و فداکاری و همیاری مردم



مدرسه عالی شهید مطهری

حکومت اسلامی تشکیل شد و حزب و سپاه و جهاد و دیگر نهادها بمانند بازوهای قوی و استوار این حکومت را بر حای خود تحکیم کرده و میکنند. در مقابل دشمنان همبیکار ننشسته طبق معمول خود به توطئه علیه این راه مشغول شدند که فعلاً آن توطئه‌ای که ما با آن در گیریم جنگ است.

راستی یادمان نرود که قصد داشتیم که با پیروزی انقلاب اسلامی در کشور خودمان پیش‌سوی آزاد سازی قدس برویم. اما آیا مهلت یافتیم از روز اول توطئه چینی بوده تا حالا که مشغول جنگیم. جنگ را نیز برای این سرراه ما گذاشتند که برای رفتن به قدس پایمان را در چاله بیندازند، اما انشاء... با رهبری امامان هرچه زودتر این چاله را نیز پرکرده را همان را ادامه میدهیم. این نویدی نیست که فقط بر سر زبان باشد. خون شهدا این پیام را به ما میدهید. مگر مردم ما پیام شهیدانشان را فراموش میکنند که: خون ما را پایمال نکنید در همه حال پیرو رهبر باشید تا قدس آزاد شود. مواظب باشید کار خلاف گرچه کوچک باشد و یا حرفی، گرچه کم زخم باشد از شما سر نزنند.

این پیام سرورمان حسین (ع) است که در روزهای خونین و آتشین به زینب (س) میفرماید: مبادا در زجر و شکنجه‌ها و مصیبت‌های بعد از شهادت من چیزی بگویی که اجرت را کم کند. و یقیناً " شما نیز اینچنین هستید، شهید میدهید، استقامت میکنید، اطاعت میکنید تا جهان آزاد شود گرچه خیل شهدایمان هرروز افزون شود.

الان که من این وصیت‌نامه را مینویسم ن میدانم سرنوشتم چه خواهد شد آیا سعادتی شهادت نصیب میشود یا به مرگ دیگر خواهم مرد؟ آیا خدا میخواهد از کسانی باشم که بدون حساب و بدون خوف در صحنه قیامت حاضر میشوند و با افتخار به صف حسینیان میپیوندند، البته بخواست خداوند بایستی راضی بود، ولی خداوند جز خیر چیزی برای انسان نمخواهد. پس از خدا میخواهم که این سعادت را نصیب من نیز بگرداند. اما چه وقت و در کجا و چگونه آن را خودش بهتر میداند.

اما عزیزان و سروران با این مسائلی که مطرح شد گویی بر دشمنان باری را که



مدرسه عالی شهید مطهری

گذاشته اند خیلی سنگین است ، انقلابی را برای احیای اسلام شروع کردیم این خیلی مهم بود اما مهتر از آن ادامه و ابقای آن است . حضور خود را در صحنه نباید ترک کنیم بهیچ صورت شانه خالی کردن از زیر مسئولیتها دیگر قابل توجه نیست . اخلاق و روش ما و طرز زندگی ما دیگر باید کم کم اسلامی شود ، الهی شود . با تاکید میگویم که بایستی بینش دینی و علمی خود را بالا ببریم چرا که باید بسراغ دیگر ملتها رفت . ملتها گروهی تشنه انقلابان هستند و گروهی سختی در جهل و فسادند که در برابر هر دو وظیفه ما ترفیع درجات علم و ایمان است . اگر انسان نظری به ملل کشورهای اروپایی و آمریکایی و دیگر کشورهای فاسد بکند غصه میخورد آر زوی مرگ میکند که اینها چگونه اصلاح خواهند شد . خیلی مسئولیتان سنگین است . سعی کنیم برای آمادگی صدور انقلاب هرچه زودتر خودمان را از نظر اخلاقی اصلاح و از نظر فکری قوی کنیم . آیا قرآن در روز قیامت یقمان را نمیگیرد که بگوید در هر روز چقدر مرا مطالعه میکردید؟ آیا ملل دنیا در روز قیامت با اینکه خود مقصد یقمان را نمیگیرند بگویند چرا اقدامی نکردید؟ آیا ما در برابر این ملتها مشول نیستیم ؟ آیا نماز جماعتها و جمعهها و راهپیماییها و دیگر پایههای این جمهوری ما را باز خواست نمیکنند؟ گفته میشود علما در روز قیامت از مردم شکایت میکنند که چرا از استفاده نکردند . بهرحال راه دشوار است و طولانی و غوطه وری در مادیات ، هرچه هم نام الهی بودن و اسلامی بودن بر آن بگذاریم باز هم مشولیم . خداوندا ما را در این راه نصرت عطا کن که بدون یاری تو نجات نمیابیم .

خواهران و برادران ، سعی کنیم سازندگان تاریخ حقیقت را الگوی خود قرار دهیم . سعی کنیم در راه تثبیت جمهوری اسلامی و رهبری امام خمینی هرچه بیشتر بکوشیم . بکوشیم مسجدها را بدستور امام سنگر کنیم . سنگر نماز سنگر تعلیم و تربیت سنگر جنگ با دشمنان اسلام و سنگر ... و بکوشیم و بدست ماست که مردم را هرچه بیشتر مسجدهی کنیم .

خداوندا : عمری را در معصیت تو سپری کردم و اکنون از محضر فضل طلب رحمت و مغفرت میکنم .

خداوندا : اگرچه دعای معصیت کار و روسیاه مستحباب نمیشود ، ولی غم امام ما را تا انقلاب حضرت ولی عصر (عج) طولانی گردان .

خداوندا : ملت ایران را برای گسترش اسلام یاری ده .

خداوندا : صفا و صمیمیت و بی ربایی و تواضع را در متن زندگی ما قرار ده .

والسلام

سیدکمال خالقی